

این یک داستان واقعی است که در ژاپن اتفاق افتاده است.

شخصی دیوار خانه اش را برای نوسازی خراب می کرد. خانه های ژاپنی دارای فضایی خالی بین دیوارهای چوبی هستند. این شخص در حین خراب کردن دیوار در، مارمولکی را دید که میخی از بیرون به پایش کوفته شده است. دلش سوخت و یک لحظه کنجاو شد. وقتی میخ را بررسی کرد، تعجب کرد این میخ ده سال پیش هنگام ساختن خانه کوبیده شده بود!

چه اتفاقی افتاده؟ **مارمولک** ده سال در چنین موقعیتی زنده مونده!!!

در یک قسمت تاریک بدون حرکت، چنین چیزی امکان ندارد و غیر قابل تصور است. متحیر از این مساله کارش را تعطیل و مارمولک را مشاهده کرد. تو این مدت چکار می کرده؟ چگونه و چی می خورده؟

همانطور که به مارمولک نگاه می کرد، یکدفعه مارمولکی دیگر با غذایی در دهانش ظاهر شد!!!.

مرد شدیداً منقلب شد. ده سال مراقبت. چه **عشقی**! چه عشق قشنگی!!! اگر **مارمولک** به این کوچکی

بتواند **عشق** به این بزرگی داشته باشد، پس تصور کنید ما تا چه حدی می توانیم عاشق شویم اگر سعی کنیم.